

مصاحبه با سید محمد هاشمی: شرکت کاچیران

نام و نام خواندگی: سید محمد هاشمی

نام محصول: انواع مختلف چرخ خیاطی

شرکت: کاچیران

تحصیلات: لیسانس اقتصاد

در سال ۱۳۲۶ در اراک به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی را در اراک گذراندم و سپس با خانواده به تهران آمدم.

در دوران کودکی سرکش و لجباز بودم. هر چیزی که از لحاظ خودم انجام دادنش درست بود روی آن پا فشاری می کردم خیلی حساس بودم و طبیعتاً زود هم عصبی می شدم.

اصولاً آدم خاصی بودم. زمانی که درس می خواندم افکاري در ذهنم بود که همیشه نسبت به سنم طبیعی نبوده یعنی اگر ۱۵ ساله بودم افکاري داشتم که آن زمان مرا از سایرین جدا می کرد و همین باعث می شد که در حین تحصیل با وجود اینکه وضع خانواده ام خوب بود همیشه در حال کار و فعالیت بودم و دوست داشتم وجود خودم را اثبات کنم و برای موفقیت از دیگران کمک نگیرم.

دوران دانشگاه را در رشته اقتصاد در دانشگاه ملی آن زمان گذراندم.

در دوران تحصیل، برای نیاز مالی کار نمی کردم و بیشتر برای تجربه به فعالیت می پرداختم. ویزیتور بودم و در زمینه ی تحقیقات بازاریابی هم مدارکی داشتم و همیشه سعی می کردم با افراد موفق تماس داشته باشم و به عنوان ویزیتور نظراتشان را می پرسیدم و همین باعث موفقیتم شد.

بعد از اتمام درس به علت اینکه تنها پسر خانواده بودم و سن پدرم بالای ۶۰ سال بود از خدمت سربازی معاف شدم لذا خیلی زود شروع به کار کردم و سرمایه ای جمع نمودم و در سن ۲۴ سالگی ازدواج کرده و مستقل شدم.

در جوانی مدتی را در انگلیس گذراندم و بعد به ایران آمدم. پدر یکی از دوستانم کارش واردات لوازم خانگی و چرخ خیاطی بود به همین خاطر دوستم به من پیشنهاد کرد

که این کار را ادامه دهیم و ما شروع کار واردات چرخ خیاطی و لوازم خانگی کردیم در آن زمان سرمایه نداشتیم ولی نیروی کار داشتیم.

با شروع جنگ تصمیم گرفتم با تأسیس یک شرکت که خودم عضو هیئت مدیره آن بودم این پروژه را پیاده کنم.

در موفقیت من دو عامل وجود داشت یکی عامل علمی که تلاش کردیم تکنولوژی را از یک شرکت آلمانی خریداری کنیم و بر مبنای این تکنولوژی، ماشین آلات و سخت افزار این طرح را آماده کردیم و علت ایمان و اعتقاد به خدا بود که به ما کمک کرد در برابر مشکلات و سختی ها مقاومت کنیم.

ما مشکل Finance داشتیم و به همین دلیل بانکها پول و تسهیلات لازم در اختیار ما قرار نمی دادند و می خواستند جلوی اعتبارات ما را بگیرند ولی به هر حال ما شروع به کار کردیم و توانستیم بدون کمک از آنها، تولید را راه اندازی کنیم و به سطح بالایی برسanim و به خود کفایی برسیم به طوری که ۹۰٪ از قطعات چرخ خیاطی را خودمان بسازیم که کیفیت آن برابر با کیفیت تولیدات آلمان باشد.

در کار ما کیفیت محصولات بالا بود ولی قیمت آن ارزان نبود. ما سعی کردیم محصولاتی را تولید کنیم که هم کیفیت بالا داشته باشد و هم ارزان قیمت باشد و توانستیم به این هدف دست یابیم.

ما توانستیم از تجربیات دیگران استفاده کنیم. ما از کار مهندسی معکوس بسیار نتیجه گرفتیم و زمان را کشتیم.

من تنها کاری که در مهندسی معکوس می کنم این است که قطعات را بهینه می کنم یعنی قطعات چرخ خیاطی که پنج سال پیش ساخته شده را باز می کنم و این قطعات را بهینه سازی می نمایم.

ما باید در کوتاه مدت برنامه ریزی کنیم و زمان را از دست ندهیم. طرح بلند مدت را به دلیل اینکه تکنولوژی روز به روز در حال تغییر است نمی پسندم، چون

اگر ایده ای دارید که تا ۴ سال آینده جواب می دهد
ایده مطلوبی نیست زیرا تا آن زمان تحولات صنعتی گسترش
می یابد و همه چیز عوض می شود. در کار صنعتی زمان
باید کوتاه و به سرعت باشد.

من بارها در جوانی با شکست مالی مواجه شدم ولی مقاومت
کردم و موفق هم شدم.

کارخانه ی ما ده سال است که راه اندازی شده و تا به
حال یک ریال سود به شرکایش نداده است و هر چه سود
داشتیم در خودش ذخیره شده سرمایه را برای ادامه ی
کار بالا برده است. شاید فقط یک سال ۱۰٪ سود به
شرکاء دادیم ولی خیلی سالها پول هم از آنها گرفته ایم و
علت موفقیت ما هم در این است که بخش خصوصی است و سود
تقسیم نمی شود.